

نظری بقوانین جزائی

اسلام (۳)

علی اکبر حسینی

سیراجمالی تاریخ جزاء



در گذشته از ضرورت قوانین جزا و لزوم اجرای آن بحث شد و گفتیم که حیات و سعادت و امنیت جامعه و سلامت محیط و حفظ حقوق فردی و اجتماعی نیازمند اجرای چنین قوانینی است و نیز خاطر نشان ساختیم که قوانین جزائی اسلام در اجتماعی قابل اجرا و پیاده شدن است و هنگامی مفید و سازنده است که محیط ، اسلامی باشد و همه قوانین اسلام پیاده شود و گرنه دریک اجتماع غیر اسلامی و سراسر فاسد و در رژیم طاغوتی ، آن آثار سازنده و حیاتبخشی که در محیط و حکومت اسلامی دارد، نخواهد داشت.

«بلکه در محیط سراسر فاسد بقول منتسکیو» اجرای قوانین کیفری سخت نه تنها چندان مؤثر نیست بلکه «علاوه بر فرسوده شدن قوه محرکه حکومت افکار مردم تدریجاً با مجازات سخت معتاد می گردد.» (۱)

اکنون برای توجه بیشتر به ضرورت و لزوم آن لازم است تا بررسی کوتاهی از سیر قوانین جزا در ادیان و ملل بشود .

سیراجمالی قوانین جزا

وقتی که پیدایش ملتی را در نظر می گیریم معلوم می شود که قدیمترین قوانینی که وضع شده است قوانین جزا است (۲)

جزا و کیفر یک مطلب تازه نیست از دیر زمان و از آغاز زندگی اجتماعی بشر چنین

(۱) روح القوانین ص ۲۰۰ (۲) ص ۱۱ و ۱۰ حقوق جنائی

قانونی بچشم می‌خورد و از بشر غار نشین و از بدوی ترین قبایل وحشی و نیمه وحشی گرفته، تا تمدن‌ترین و مترقی‌ترین انسانهای عصر حاضر، چنین قوانینی برای حفظ نظام خویش وضع کرده است.

بنابراین مقررات جزاء ریشه دارترین قوانین موجود بشری است که با پیدایش زندگی اجتماعی ملتها و انسانها متولد شده و همگام با پیشرفت ملتها و اجتماعات برشد و حیات خود ادامه داده و می‌دهد.

نوعی قوانین جزا از تمدن‌های باستانی ایران، هند، یونان و مصر گرفته تا با امروز همواره بوده است. منتها صورت و نحوه اجراء فرق کرده و اصلاحات و پیشرفتهائی کم و بیش در آن رخ داده است. که مقایسه و بررسی آنها از حوصله مقاله ما بیرون است. «در آغاز امر در قانون حمورابی، کلدی، احکام حضرت موسی و...، قانون قصاص

و خدی برای جانی و برای انتقام معلوم شده است:»
تسلیم متجاوز به قبیله مظلوم در حقوق رومیان و حقوق جزای یونان قدیم متداول شده بود.

در یونان در عهد سلن Solon سرقت يك جرم عمومی تلقی می‌شد و دولت برای مجازات آن اقدام می‌کرد ولی قتل يك امر خصوصی بود و تعقیب حق وارث مجنی علیه بود. (۳)
«از بیان» روسو برمی‌آید که اصل مجازات باید باشد. تنها در گذشته افراد مظلوم رأساً می‌توانستند مجازات کنند ولی اکنون با دولت است که مجموعه ایست از حقوق افراد (۴) برخی مدعی هستند که با ترقی تمدن مجازاتهای مدنی، جایگزین مجازاتهای جزائی می‌گردد در صورتی که مشهودات عصر حاضر نشان می‌دهد که این ادعا مقرون به حقیقت نیست.

«در زمان پر آشوب معاصر شماره جرائم رو بهتزايد است مخصوصاً در جوامعی که فرهنگ علمی و اخلاقی آن خیلی لطیف شده است و جرائم جدیدتری... رو بهزونی گذارده است (۵) در فرانسه و انگلستان، یونان، ترکیه اسپانیا، شوروی و... هنوز اعدام لغو نشده است (۶).»

در شوروی حتی برای گرفتن رشوه و... اعدام می‌کنند.
وابسته خبرگزاری ملی چین می‌گوید: ما از دوستان خارجی خود مراقبت میکنیم:

(۳) ص ۱۰ و ۱۱ حقوق جنائی

(۴) حقوق جنائی ص ۱۷ و قراردادهای اجتماعی ..

(۵) و (۶) حقوق جنائی ص ۶

وی افزود که در چند سال پیش يك فرد چینی به يك مهمان خارجی نزدیک هتل پکن حمله کرد. این خارجی کشته نشد اما کسی که به او حمله کرده بود برای عبرت دیگران اعدام گردید. (۷)

سرقت در چین بزرگترین جرم است و حتی در مواردی معمولاً شخص قاتل اعدام می‌گردد (۸)

آمار نشان می‌دهد که ترس از مجازات از وقوع بسیاری از جرائم جلوگیری کرده و برعکس خاطر جمعی از مجازات عامل افزایش جرم شده است.

در سال ۱۹۰۶ حکومت فرانسه لایحه حذف مجازات اعدام را به مجلس معبوثان پیشنهاد می‌کنند. و بلافاصله تعداد جنایات افزایش می‌یابد و همین امر باعث تحریک عواطف عمومی برضد جنایات می‌شود و سبب می‌گردد که پیشنهاد دولت در مجلس رد شود و تصویب نگردد. (۹)

آیا مجازات نوعی انتقام نیست؟

ممکن است برخی خیال کنند که مجازات نوعی انتقام است و انتقام جوئی از کوتاه نظری است که دور از روح بلند و صفات عالی انسانی است و این با جهان بینی اسلامی سازگار نیست.

ولی باید توجه داشت که در اسلام برای جرائمی کیفر و مجازات تعیین شده است که غالباً جنبه عمومی دارد و عامل فساد و باعث اخلال در نظام اجتماع است و منافع ملت و جامعه را تهدید می‌کند. پس در حقیقت مجازات يك نوع دفاع از جامعه و برای حفظ مصالح و منافع عمومی اجتماع است نه بخاطر انتقام از مجرم فقط. و هرگز جنبه تصفیة حساب خصوصی و شخصی ندارد. و اگر هم در مواردی باعث تشفی قلب مظلوم باشد از فروعات و از نتایج ضمنی این قانون می‌باشد.

و مخصوصاً با توجه به احادیث پیاپی بر (ص) که فرمود: «اجرای يك حد از چهل روز بارتدگی صبحگاهی مفیدتر است یا در برخی پاک‌کننده‌تر از چهل روز بازاران نافع است»، منافع اجتماعی حدود و قصاص اسلامی را روشن‌تر می‌سازد. (۱۰)

و نیز آنجا که قرآن قصاص را عامل حیات جامعه میداد (۱۱) مطلب کاملاً روشن می‌شود. و با درمورد حد زنا قرآن بصراحت بیان می‌کند که «فلیشهد عذابهما طائفة من

(۷) و (۸) روزنامه صبح تهران آیندگان شماره ۱۰۳۷ مورخه ۵۷/۷/۲۳

(۹) حقوق جزاه ص ۳ طبع چهارم دکتر سمیعی

(۱۰) کافی ج ۷ ص ۱۷۴

(۱۱) ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب لعلکم تتقون بقره آیه ۱۷۹

المؤمنین» (۱۲) باید گروهی از مؤمنان صحنه مجازات را به بینند و ناظر بر تازیانه خوردن وحد باشند، خود گواه بر فلسفه اجتماعی و پاکسازی و عبرت گیری و سازندگی حکم است. و این نکته است که برخی از دانشمندان غرب پس از ۱۰ قرن به آن رسیده اند «بکاریای ایتالیائی» در رساله «جرائم و مجازاتها» می گوید: «اعمال مجازات برای جرمی که واقع شده نیست، بلکه برای این است که از بدی و شرارت در آینده جلوگیری شود و پس از جرم اولی، دیگر جرائم جدیدی ارتکاب نشود. (۱۳)

پس از این بررسی کوتاه به این نتیجه می رسیم که: مجازات اسلامی فواید زیر را دارا است:

- ۱- موجب تعمیم عدالت اجتماعی و ضامن حفظ امنیت جامعه و افراد است.
- ۲- عامل پاکسازی و بهداشت محیط و جامعه و ریشه کن ساختن فساد و جرم و- خیانت و برای زدودن عناصر فاسد و تبهکار و خلاصه سبب مصونیت جامعه از افراد مجرم است.
- ۳- باعث تنبه و آگاهی دیگران و عبرت مردم از عواقب شوم جنایت و جرم و فساد میشود.
- ۴- عامل ثبات نظام اجتماعی و ضامن بقای سایر حقوق مدنی، فردی و اجتماعی انسانها است. زیرا می دانیم که بشر طبعاً اجتماعی است و نیازمندیهای مختلف او سبب شده است که در اجتماع زندگی بکند و با اصطلاح «مدنی بالطبع» است پس قهرآ انسان و- جامعه نیازمند قوانین مختلفی است تا آرامش و سلامت و امنیت و حقوق او را در اجتماع حفظ کند و جلوی تضادها و خودکامگیهای او را بگیرد.

ضامن و پشتوانه این حقوق، قوانین جزاء و اجرای آنست و بدون اجزاء آن، تمامی حقوق مدنی بی اثر و آسیب پذیر است و هیچ يك از حقوق مدنی باقی نمی ماند.

- ۵- جلوگیری از هرج و مرج چون این تمایل طبیعی بشر است که هر کسی که با او ظلمی شده است می خواهد خود تلافی کند و انتقام بگیرد. و این خود موجب هرج و مرج و باعث درگیریها و تصفیه حسابهای خصوصی است. پس صلاح جامعه در آنست که مجازات در دست افراد نباشد. بلکه در صلاحیت حاکم دلسوز و دولت باشد و بعبارت دیگر دستگاه قضائی در حکومت اسلامی قائم مقام فرد میشود و با استقلالی که دستگاه قضائی اسلام دارد می تواند مجرم را در شرایطی که باشد، بکیفر برساند و عدالت را برقرار سازد؛ پس عدالت فردی جای خود را به عدالت اجتماعی می دهد و جلوی تصفیه حسابها و انتقام فردی گرفته می شود.

(ادامه دارد)

(۱۲) سوره نور آیه ۲

(۱۳) حقوق جنائی ص ۱۶